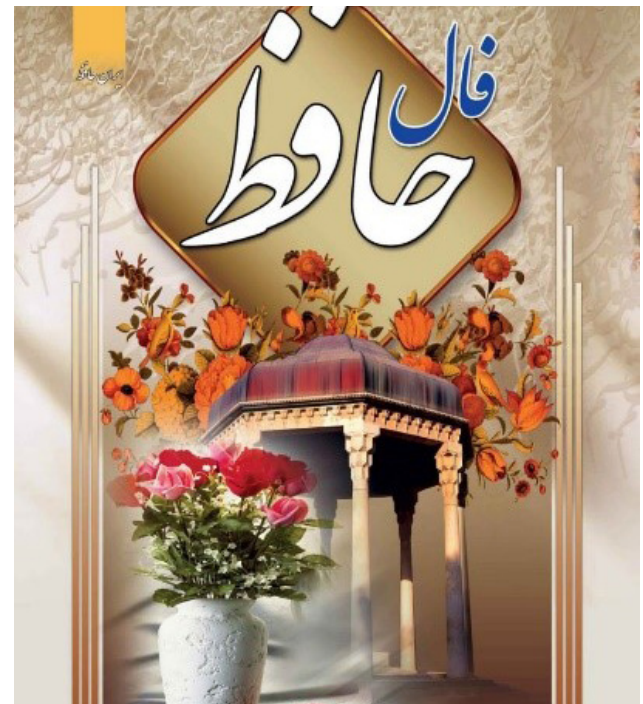




امروز شما



فروردین مهر

دل و دین داده‌اید، با حسن نیت و قلب پاک آنچه در وجودتان است در طبق انحصار گذاشته و تقدیم کرده‌اید این پاک دلی و بی‌آلایشی بالاخره کارساز می‌شود.

اردیبهشت آبان

به دامن طبیعت برو و از آن لذت ببر و بین دنیا زیباست و تا وقتی که فرصت داری از این فرصت استفاده کن و از زندگی لذت ببر. فکر می‌کنی که ناکامی، ولی تمام وسایل کامروایی در اختیار شماست.

خرداد آذر

عاشق و دل‌داده‌ای و بسیار در این عشق غرق شده‌ای و حضری هر چیز را به خاطر آن بی‌ذیری ولی کسی هم به خودت برس و زندگی‌ت را سر و سامان بده.

تیر دی

کسی که شما او را دوست داشته‌اید ولی از او ناامید شده بودید دوباره به زندگی‌تان باز می‌گردد و به قدری تلاش می‌کند که دوباره برای شما نمونه و یگانه گردد.

مرداد بهمن

پدان که تا به مشکلات و سختی‌ها گرفتار نشوی قدر عاقبت و راحتی را نخواهی دانست.

شهریور اسفند

اگر کاری را فکر می‌کنی درست است، انجام بده و به حرف دیگران گوش مده. باید با جدیت گره‌های کارت را باز کنی.

دوقلوهای آینه‌ای عجیب و نادری که خبرساز شدند!



دوقلوهای اسکاتلندی از ویژگی عجیب و نادری برخوردارند که تعجب هر کسی که آنان را دیده برانگیخته است. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، لیا و ایرن سالیوان خواهران دوقلوی ۴ ساله اسکاتلندی هستند، مادر آنها می‌گوید که فرزندانش دو روی یک سکه هستند. در حالی که لیا موهای خود را به سمت چپ باز می‌کند و ایرن موهای خود را به سمت راست باز می‌کند، این دو کودک حتی از دست‌های مخالف برای غذا خوردن استفاده می‌کنند. دوقلوها دقیقاً در همان وضعیت، اما در دو طرف متفاوت می‌خوابند.

این وضعیت دوقلوی آینه‌ای نام دارد که یک پدیده نادر است، به این معنی که خواهر و برادر دوقلوی یکسان کارهایی را انجام می‌دهند و به طرق مختلف حرکت و تعامل می‌کنند و اعتقاد بر این است که این پدیده تا یک چهارم دوقلوهای یکسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

زونی ۴۲ ساله، مادر دوقلوها متوجه شد که دختران دوقلوی او نیز به این مسئله دچار هستند. وقتی دوقلوها به ۳ سالگی رسیدند، مادر آنها متوجه شد که آنها طوری رفتار می‌کنند که گویی یکی از آنها بازتاب دیگری در آینه است. ایرن ترجیح داد از دست چپ استفاده کند، در حالی که لیا هم ترجیح می‌دهد از دست راست خود استفاده کند.

لیا در عکس‌ها همیشه در سمت چپ ایستاده است و ایرن در سمت راست قرار دارد، خواهران دوقلو از نظر پای غالب به روش دیگری

راه می‌روند و مادر آنها گفته که از نظر شخصیتی کاملاً متفاوت هستند، بنابراین آنچه لیا در اختیار دارد متعلق به ایرن نیست و بالعکس. موضوع از نظر شکل ظاهری و حرکاتی تفاوتی ندارد، بلکه به روحیه و شخصیت نیز مربوط می‌شود، جایی که لیا شوخ طبعی خوبی دارد، ایرن جدی‌تر است.

متخصصان می‌گویند دوقلوهای یکسان حاصل تقسیم تخمک بارور شده به دو جنین بین چهار تا هشت روز پس از لقاح هستند و درباره دوقلوهای آینه‌ای اعتقاد بر این است که درباره این دوقلوها حتی پس از آن یعنی بین روز ۹ تا ۱۲ نیز تخمک تقسیم می‌شود که این نظریه هنوز اثبات نشده است.

دبیر علمی نخستین همایش اخلاق و فرهنگ شهرونی عنوان کرد:

هشت برابر شدن تعداد شهرهای ایران در نیم قرن



دبیر علمی نخستین همایش اخلاق و فرهنگ شهرونی گفت: شهرنشینی در ایران را یک نوع شهرنشینی شتابان و بدون ایجاد زیرساخت‌های کافی می‌دانیم که می‌تواند یک وضعیت نامتناسب را در شهرها به وجود آورد و نتیجه‌ی آن افرادی را داشته باشیم که چندان با یکدیگر آشنایی، تفاهم و سازگاری ندارند و به نوعی انبوه بیگانگان هستند.

به گزارش همشهری آنلاین، میرطاهر موسوی، دبیر علمی نخستین همایش اخلاق و فرهنگ شهرونی، در آستانه برگزاری نخستین دوره این همایش، مسئله اخلاق و فرهنگ شهرونی در ایران را از اولویت‌های توسعه برشمرد و گفت: ما در جامعه ایران شاهد یک شهرنشینی و شهرگستری شتابان هستیم. جمعیت ایران طی ۶ دهه گذشته یعنی بعد از حدود سال ۱۳۳۵ و به‌ویژه اجرای قانون اصلاحات ارضی در دهه ۴۰، به‌صورت سیل‌آسا در سرزمین جابه‌جا شدند و از روستاها به روستاهای دیگر، از روستاها به شهرها و همپس از روستاها و شهرهای کوچک‌تر به شهرهای بزرگتر و به‌ویژه شهر تهران و پایتخت کشور مهاجرت کردند. به صورتی که تصویر و هندسه شهرنشینی و روستاشینی در ایران به‌طور کلی دگرگون شد و این جمعیت یک حالت معکوس پیدا کرد که جمعیت حدود ۷۲ درصد روستائین و ۲۸ درصد شهرنشین اکنون به یک وضعیت معکوس تبدیل شده است.

وی افزود: در این زمینه مشکلات و مسائلی نیز به وجود آمده است. از جمله اینکه آداب و رسوم و هنجار و اخلاق سنتی که در جامعه ایران طی قرون متمادی جاگیر و پاکیز بوده است، به‌تدریج آرام آرام رو به کاهش، تغییر و فرسایش گذاشته است و آن‌طور که پیداست اخلاق و فرهنگ شهرونی نیز شکل نگرفته و قوام پیدا نکرده است و ما در یک وضعیت آنومی در گذار از سنت به مدرنیته قرار گرفته‌ایم. به این معنا که بخش‌هایی از رفتارها و هنجارهای سنتی تضعیف شده و از بین رفته است و بخش‌های جدید و متناسب با زندگی جدید شهری نیز شکل نگرفته است. این یک مسئله مهم است که باید در سیاستگذاری‌های اجتماعی و فرهنگی به آن توجه شود.

به گفته میرطاهر موسوی، به‌طور مثال در دهه ۴۰ ما حدود ۱۶۰ شهر در کشور داشتیم و در انتهای دهه ۹۰ این تعداد به بیش از ۱۳۰۰ شهر رسید؛ یعنی جمعیت ایران طی این مدت و از دهه ۴۰ و ۵۰ به این سو ۵/۳ برابر شده اما تعداد شهرهایمان بیش از هفت برابر شده است. به طوری که امروز بیش از ۱۳۰۰ شهر در سطح ایران داریم که یک مسئله دیگری را برای ما به وجود آورده است و آن نیز این است که ما با پدیده جدیدی تحت عنوان روستاشهرها یا شهرروستاها مواجهیم. شهرهای جدیدی که از جمعیت مهاجران و تعدادی از جمعیت بومی ایجاد شده و ترکیب ناهمگونی از شهر و

روستا را به وجود آورده است.

این محقق اظهار کرد: پس یک بخش مشکل در این نوع شهرها و یک بخش نیز در شهرهای قدیمی‌تر است که در اثر پمپاژ و تزریق جمعیت به آن‌ها گسترش پیدا کرده‌اند و به طرز شگفت‌انگیزی در ۴۰ سال گذشته حدود ۱۰ کلانشهر در ایران داریم. این‌ها شرایطی به وجود آورده‌اند که یک وضعیت نامتادل در سرزمین ایران به لحاظ توزیع و پخشایش جمعیت صورت گرفته است. تخریب محیط‌زیست و تبدیل اراضی نیز از مسائل ما است؛ اما این توزیع و انتقال جمعیت بدون فراهم کردن امکانات کافی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی انجام شده است.

نقد وضعیت کلانشهرها از زبان مصطفی معین

روستاشهرهایی که نه فرهنگ شهرونی دارند نه آداب روستاشینی

دبیر علمی نخستین همایش اخلاق و فرهنگ شهرونی با بیان اینکه شهرنشینی در ایران را یک نوع شهرنشینی شتابان و بدون ایجاد زیرساخت‌های کافی می‌دانیم که می‌تواند یک وضعیت آنومی و نامتناسب را در شهرها به وجود آورد و نتیجه‌ی آن افرادی را داشته باشیم که چندان با یکدیگر آشنایی، تفاهم و سازگاری ندارند و به نوعی انبوه بیگانگان هستند؛ خاطر نشان کرد: لذا شناخت اخلاق و فرهنگ شهرونی در قالب یک دیالکتیک عام و خاص می‌تواند نسخه‌ای مؤثر برای پیشبرد توسعه اجتماعی ایران باشد تا ما فرهنگ و اخلاق مدرن و جدید و معاصر را دریافت کنیم و فرهنگ و اخلاق سنتی و بومی و متن محور ایرانی را نیز ببینیم و در عین حال در قالب متعامل این دو یعنی در قالب یک دیالکتیک بین فرهنگ معاصر و فرهنگ سنتی، اخلاق معاصر و اخلاق سنتی، بتوانیم به یک الگوی کارآمد، روزآمد و سازگار با متن ایرانی و مقتضیات ایرانی برسیم.

نخستین دوره همایش اخلاق و فرهنگ شهرونی، روزهای ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه جاری به صورت مجازی برگزار خواهد شد. علاقه‌مندان برای شرکت در این همایش می‌توانند به نشانی اینترنتی Congress.ethics.ir مراجعه کنند.

خوانندگی

واکنش خانواده «احمد محمود» به تخریب خانه نویسنده



فرزند احمد محمود در واکنش به تخریب خانه پدری این نویسنده ققید در اهواز می‌گوید: اگر قصد نگهداری این خانه بود، آن را نگه می‌داشتند. این خانه یادگار احمد محمود بود، یادگار «همسایه‌ها».

پادگار «زمین سوخته».

به گزارش ایسنا، هر روز شهرهایمان خالی‌تر از نشانه‌های قدیمی و آشنا می‌شود؛ یک روز خبر می‌رسد خانه پدری فروغ فرخزاد در تهران را می‌خواهند تخریب کنند، یک روز خانه مادری هوشنگ ابتهاج (ما. سایه) در رشت را خراب می‌کنند.

خبرهایی از این دست بسیار است. حالا هم خانه پدری احمد محمود را در اهواز تخریب کرده‌اند. کسی هم نگهداری و حفظ این خانه‌ها را بر عهده نمی‌گیرد. در این میان اما این میراث فرهنگی و ادبی و تاریخی این سرزمین است که در پاس کاری این سازمان و آن سازمان از بین می‌رود و نابود می‌شود.

خانه پدری «احمد محمود» که از بناهای دوره پهلوی بود و در منطقه سی متری اهواز که به نوعی بافت تاریخی اهواز محسوب می‌شود قرار داشت، در یک روز تعطیل (جمعه، ۲۴ بهمن‌ماه ۱۳۹۹) توسط مالکان جدید و با مجوز شهرداری تخریب شد. این در حالی است که احمدرضا حسینی بروجنی، معاون میراث فرهنگی مدیرکل میراث فرهنگی خوزستان می‌گوید: واقع شدن خانه پدری احمد محمود در محدوده بافت تاریخی اهواز مشمول قوانین و مقررات و ضوابط حاکم بر بافت‌های تاریخی بود اما بدون هماهنگی و اخذ استعلام از اداره کل میراث فرهنگی مجوز تخریب آن از سوی شهرداری صادر شد.

اما بابک اعطاء - فرزند احمد محمود - درباره تخریب خانه پدری این نویسنده مطرح به ایستای می‌گوید: شرایطی وجود داشت و وراث ناچار شدند این خانه را بفروشند. خانه به دست مالک جدید افتاد اما قرار بر این بود میراث فرهنگی و شهرداری کارهایی انجام دهند تا خانه تخریب نشود زیرا این خانه در بافت قدیمی اهواز، خیابان گشتاسب و محدوده سی متری بود. بنا بود خانه حفظ شود اما این اتفاق نیفتاد و صبح روز جمعه تخریب کردند. همه هم اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند؛ شهرداری می‌گوید ما مجوز نداده‌ایم و میراث فرهنگی می‌گوید اگر قرار به تخریب بود باید با اجازه ما این اتفاق می‌افتاد. چه بگویم!؟

او درباره قدمت این خانه بیان می‌کند: تا جایی که من می‌دانم بالای ۸۹ سال داشت؛ من در این

خانه متولد شدم، پدرم هم در این خانه متولد شده بود. این خانه محکمی هم بود زیرا پدر بزرگ ما معمار بود و هنوز در اهواز خیلی از یادگاری‌هایش هست. او این خانه را ساخته بود.

کف خانه آجر فرش بود؛ چیزی که سال‌های بعد مد شد. درخت کناری را که پدر بزرگ همزمان با تولد پدر کاشته بود، ریشه‌ش کن کردند. ولی احتمالاً قدمت خانه نزدیک به صد سال باشد. پدرم متولد ۱۳۱۰ است و خانه از قبل هم بوده و باید نزدیک به صد سال داشته باشد.

فرزند احمد محمود می‌گوید: اگر قصد نگهداری این خانه وجود داشت (در حالی که قصدی برای حفظ آن نداشتند) از آن نگهداری می‌کردند. این خانه یادگار احمد محمود بود، یادگار «همسایه‌ها»، پادگار «زمین سوخته». «زمین سوخته» شاید اولین کتاب و ماندگارترین کتابی است که درباره جنگ نوشته شد. داستان می‌رود و نابود می‌شود.

خانه پدری «احمد محمود» که از بناهای دوره پهلوی بود و در منطقه سی متری اهواز که به نوعی بافت تاریخی اهواز محسوب می‌شود قرار داشت، در یک روز تعطیل (جمعه، ۲۴ بهمن‌ماه ۱۳۹۹) توسط مالکان جدید و با مجوز شهرداری تخریب شد. این در حالی است که احمدرضا حسینی بروجنی، معاون میراث فرهنگی مدیرکل میراث فرهنگی خوزستان می‌گوید: واقع شدن خانه پدری احمد محمود در محدوده بافت تاریخی اهواز مشمول قوانین و مقررات و ضوابط حاکم بر بافت‌های تاریخی بود اما بدون هماهنگی و اخذ استعلام از اداره کل میراث فرهنگی مجوز تخریب آن از سوی شهرداری صادر شد.

اما بابک اعطاء - فرزند احمد محمود - درباره تخریب خانه پدری این نویسنده مطرح به ایستای می‌گوید: شرایطی وجود داشت و وراث ناچار شدند این خانه را بفروشند. خانه به دست مالک جدید افتاد اما قرار بر این بود میراث فرهنگی و شهرداری کارهایی انجام دهند تا خانه تخریب نشود زیرا این خانه در بافت قدیمی اهواز، خیابان گشتاسب و محدوده سی متری بود. بنا بود خانه حفظ شود اما این اتفاق نیفتاد و صبح روز جمعه تخریب کردند. همه هم اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند؛ شهرداری می‌گوید ما مجوز نداده‌ایم و میراث فرهنگی می‌گوید اگر قرار به تخریب بود باید با اجازه ما این اتفاق می‌افتاد. چه بگویم!؟

او درباره قدمت این خانه بیان می‌کند: تا جایی که من می‌دانم بالای ۸۹ سال داشت؛ من در این

فرزند احمد محمود در واکنش به تخریب خانه پدری این نویسنده ققید در اهواز می‌گوید: اگر قصد نگهداری این خانه وجود داشت (در حالی که قصدی برای حفظ آن نداشتند) از آن نگهداری می‌کردند. این خانه یادگار احمد محمود بود، یادگار «همسایه‌ها»، پادگار «زمین سوخته». «زمین سوخته» شاید اولین کتاب و ماندگارترین کتابی است که درباره جنگ نوشته شد. داستان می‌رود و نابود می‌شود.

خانه پدری «احمد محمود» که از بناهای دوره پهلوی بود و در منطقه سی متری اهواز که به نوعی بافت تاریخی اهواز محسوب می‌شود قرار داشت، در یک روز تعطیل (جمعه، ۲۴ بهمن‌ماه ۱۳۹۹) توسط مالکان جدید و با مجوز شهرداری تخریب شد. این در حالی است که احمدرضا حسینی بروجنی، معاون میراث فرهنگی مدیرکل میراث فرهنگی خوزستان می‌گوید: واقع شدن خانه پدری احمد محمود در محدوده بافت تاریخی اهواز مشمول قوانین و مقررات و ضوابط حاکم بر بافت‌های تاریخی بود اما بدون هماهنگی و اخذ استعلام از اداره کل میراث فرهنگی مجوز تخریب آن از سوی شهرداری صادر شد.

اما بابک اعطاء - فرزند احمد محمود - درباره تخریب خانه پدری این نویسنده مطرح به ایستای می‌گوید: شرایطی وجود داشت و وراث ناچار شدند این خانه را بفروشند. خانه به دست مالک جدید افتاد اما قرار بر این بود میراث فرهنگی و شهرداری کارهایی انجام دهند تا خانه تخریب نشود زیرا این خانه در بافت قدیمی اهواز، خیابان گشتاسب و محدوده سی متری بود. بنا بود خانه حفظ شود اما این اتفاق نیفتاد و صبح روز جمعه تخریب کردند. همه هم اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند؛ شهرداری می‌گوید ما مجوز نداده‌ایم و میراث فرهنگی می‌گوید اگر قرار به تخریب بود باید با اجازه ما این اتفاق می‌افتاد. چه بگویم!؟

او درباره قدمت این خانه بیان می‌کند: تا جایی که من می‌دانم بالای ۸۹ سال داشت؛ من در این

فرزند احمد محمود در واکنش به تخریب خانه پدری این نویسنده ققید در اهواز می‌گوید: اگر قصد نگهداری این خانه وجود داشت (در حالی که قصدی برای حفظ آن نداشتند) از آن نگهداری می‌کردند. این خانه یادگار احمد محمود بود، یادگار «همسایه‌ها»، پادگار «زمین سوخته». «زمین سوخته» شاید اولین کتاب و ماندگارترین کتابی است که درباره جنگ نوشته شد. داستان می‌رود و نابود می‌شود.

خانه پدری «احمد محمود» که از بناهای دوره پهلوی بود و در منطقه سی متری اهواز که به نوعی بافت تاریخی اهواز محسوب می‌شود قرار داشت، در یک روز تعطیل (جمعه، ۲۴ بهمن‌ماه ۱۳۹۹) توسط مالکان جدید و با مجوز شهرداری تخریب شد. این در حالی است که احمدرضا حسینی بروجنی، معاون میراث فرهنگی مدیرکل میراث فرهنگی خوزستان می‌گوید: واقع شدن خانه پدری احمد محمود در محدوده بافت تاریخی اهواز مشمول قوانین و مقررات و ضوابط حاکم بر بافت‌های تاریخی بود اما بدون هماهنگی و اخذ استعلام از اداره کل میراث فرهنگی مجوز تخریب آن از سوی شهرداری صادر شد.

اما بابک اعطاء - فرزند احمد محمود - درباره تخریب خانه پدری این نویسنده مطرح به ایستای می‌گوید: شرایطی وجود داشت و وراث ناچار شدند این خانه را بفروشند. خانه به دست مالک جدید افتاد اما قرار بر این بود میراث فرهنگی و شهرداری کارهایی انجام دهند تا خانه تخریب نشود زیرا این خانه در بافت قدیمی اهواز، خیابان گشتاسب و محدوده سی متری بود. بنا بود خانه حفظ شود اما این اتفاق نیفتاد و صبح روز جمعه تخریب کردند. همه هم اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند؛ شهرداری می‌گوید ما مجوز نداده‌ایم و میراث فرهنگی می‌گوید اگر قرار به تخریب بود باید با اجازه ما این اتفاق می‌افتاد. چه بگویم!؟

او درباره قدمت این خانه بیان می‌کند: تا جایی که من می‌دانم بالای ۸۹ سال داشت؛ من در این

عکس‌های روز:



قلعه هلندی ها جزیره خارگ

شهروند عکاس

عکس‌های حرفه‌ای خود را با کیفیت مطلوب به آدرس ایمیل روزنامه طلوع toloudaily@gmail.com ارسال کنید تا در روزنامه درج گردد